

بررسی گرایش دانشجویان نسبت به هویت ملی با تأکید بر قومیت^۱ (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه‌های دولتی و آزاد مرکز استان گلستان در سال تحصیلی ۹۲-۹۱)

زهره غریبیان^۲، عبدالواحد شمال‌آف^۳، غلامرضا خوش‌فر^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۹/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۳/۲۱

چکیده

هویت قومی که یکی از مهم‌ترین انواع هویت به‌شمار می‌رود، در هویت ملی یک گروه سرزمینی وجود دارد و از ریشه‌های تاریخی در هر سرزمین و کشوری برخوردار است. به‌خطر افتادن هویت قومی، هویت ملی را نیز در جامعه دچار تزلزل می‌کند یا آن را به اضمحلال می‌برد. هدف اصلی این مقاله تبیین تفاوت گرایش به هویت ملی بر اساس تعلق به گروه قومی است. روش تحقیق پیمایشی و ابزار سنجش پرسش‌نامه بوده است. جامعه‌ی آماری پژوهش همه‌ی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی و آزاد مستقر در مرکز استان گلستان بوده‌اند که تعداد آن‌ها بر اساس آخرین آمار ۸۳۱۱۰ نفر بوده است. برای تعیین حجم نمونه از فرمول منطقی کوکران استفاده شده و پس از حذف پرسش‌نامه‌های ناقص، داده‌های به‌دست آمده از ۴۳۰ نفر مورد پردازش و تحلیل قرار گرفته است. نتایج نشان داده که از ابعاد سه‌گانه‌ی گرایش به هویت ملی، بعد رفتاری گرایش دانشجویان به هویت ملی بالاتر از دو بعد دیگر، و بعد عاطفی گرایش آنان نیز بالاتر از بعد شناختی است. شاخص میانگین هم حاکی از آن است که در مجموع گرایش دانشجویان به هویت ملی، در حدّ زیاد (۴/۱۱۸ از ۵) است. مقایسه‌ی گروه‌های قومی برحسب گرایش به هویت ملی نشان داده با توجه به مقدار محاسبه‌شده‌ی آزمون مقایسه‌ی تفاوت‌ها که برابر با ۰/۹۵۷ و سطح معنی‌داری آن که برابر با ۰/۲۹۳ است، تفاوت معنی‌داری میان گروه‌های قومی مختلف در گرایش به هویت ملی وجود ندارد. تفاوت‌های جزئی موجود نشان‌دهنده‌ی آن است که دانشجویان کُرد بالاترین گرایش را به هویت ملی دارند، در حالی که دانشجویان لر در کم‌ترین حد قرار گرفته‌اند. پس از کردها، ترک‌ها و ترکمن‌ها جای دارند. فارس‌ها نیز

^۱ این مقاله برگرفته از رساله‌ی دکتری خانم دکتر زهره غریبیان، با عنوان «بررسی برخی از عوامل گرایش دانشجویان نسبت به هویت ملی، مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه‌های دولتی و آزاد استان مرکز گلستان در سال تحصیلی ۹۲-۹۱» است که به راهنمایی پروفسور عبدالواحد شمال‌آف و مشاوره‌ی دکتر غلامرضا خوش‌فر انجام شده است.

^۲ دکترای جامعه‌شناسی و مدرس دانشگاه فرهنگیان پردیس امام خمینی (ره) گلستان (نویسنده‌ی مسؤول) z_gh49@yahoo.com

^۳ استاد فلسفه‌ی اجتماعی آکادمی علوم تاجیکستان

khoshfar@gmail.com

^۴ استادیار گروه علوم اجتماعی و سیاسی دانشگاه گلستان

در رتبه‌ی پنجم قرار می‌گیرند و سیستمی‌ها به‌عنوان یک گروه زبانی، نزدیک به فارس‌ها قرار دارند. رتبه‌بندی گرایش دانشجویان به هویت ملی برحسب رشته‌ی تحصیلی نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری در این زمینه وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که دانشجویان رشته‌های فنی و مهندسی و سپس علوم پایه دارای بالاترین گرایش هستند، اما دانشجویان رشته‌های علوم پزشکی و علوم کشاورزی در رتبه‌های آخر قرار گرفته‌اند.

واژه‌های کلیدی: هویت ملی، گرایش، قومیت، دانشجوی، استان گلستان.

مقدمه و طرح مسأله

هویت قومی یکی از مهم‌ترین انواع هویت جمعی است که عضویت افراد در یک کشور محسوب می‌شود و به معنای احساس هم‌بستگی عاطفی با اجتماع بزرگ ملی و قومی و احساس وفاداری به آن است که از تصور «ما» در برابر «دیگران» شکل می‌گیرد؛ عجم در برابر عرب، فارس در برابر ترک و تاجیک در برابر ترک. این هویت همانند روح فرد در جامعه نشو و نما دارد و مراتبی از تکامل را طی می‌کند. این ترقی هم‌طراز با ترقی فرهنگ و خرده‌فرهنگ‌های جامعه پیش می‌رود و عوامل گوناگونی چون نژاد، سرزمین، زبان و سنن مشترک فرهنگی، در آن اثرگذار است. بنابراین هویت قومی که یکی از مهم‌ترین انواع هویت به‌شمار می‌رود، در هویت ملی یک گروه سرزمینی وجود دارد و از ریشه‌ی تاریخی در هر سرزمین و کشوری برخوردار است. به‌خطر افتادن هویت قومی، هویت ملی را نیز در جامعه دچار تزلزل می‌کند یا آن را به اضمحلال می‌برد. در دهه‌های پایانی قرن کنونی شاهد شور و هیجان ملی اقوام بسیاری هستیم که می‌کوشند با پیوند عوامل قومی و زبانی، دولت ملی و ملت مستقلی برای خود ایجاد کنند. تنها از فروپاشی شوروی، یوگسلاوی و چکسلواکی، هجده دولت ملی تازه سر برآورده‌اند و هنوز در بسیاری از مناطق جهان، گروه‌های قومی و زبانی در تب و تاب استقلال و تشکیل دولت ملی برای خود هستند. در این شرایط، ابهام در ارزش‌ها، تیره و تار شدن مرزها و وجه متمایزهی افراد جوامع با یکدیگر، موجب سر در گمی هویت ملی نسل جوان می‌شود. این نسل، در جوامعی که به ارزش‌های آموزشی، پرورشی و تربیتی خویش پای‌بند نیستند و از ارتقای سطح تحصیلی و آموزشی خود گریزانند، در تعلق به هویت خویش دچار تردید می‌شوند و هویت خود را از دست می‌دهند. جامعه‌شناسان به این وضعیت، بحران هویت می‌گویند. در جوامع، هنگامی که کیستی افراد دچار

تردید و ابهام و تعارض گردد، بحران هویت تشدید می‌شود و در پی آن، گسست نسل‌ها اتفاق می‌افتد که در این میان، نسل جوان بیش‌تر از همه متضرر می‌شود.

بررسی عینی هویت قومی به گونه‌ای که به دور از تعلقات ذهنی باشد، کاری بسیار دشوار است؛ زیرا هویت قومی، پدیده‌ای اجتماعی است و بار عاطفی سنگینی نیز دارد. توجه به این نکته ضروری است که هویت قومی همچون دیگر پدیده‌های اجتماعی، در سیر حوادث به وجود می‌آید، رشد می‌کند، دگرگون می‌شود و معانی گوناگون و متفاوتی به خود می‌گیرد. درباره‌ی هر قوم یا ملت، در هر دوره مجموعه‌ای از چند عامل مانند تابعیت، زبان، فرهنگ و ... اهمیت می‌یابد. هویت ملی نیز همچون هویت قومی بر پایه‌ی رویارویی «ما» با «دیگران» بنیاد می‌گیرد که هم می‌تواند نیرویی سازنده باشد و هم می‌تواند به نیرویی ویرانگر تبدیل شود. احساس هویت ملی اگر در حد متعادل باشد می‌تواند به عنوان نیرویی برای رشد فرهنگ و قومیت‌های مختلف در هر کشور لحاظ شود، ولی اگر به طور نابه‌جا به قلمرو تعصبات ملی و قومی و نژادی وارد گردد یا به بهانه‌ی چالش با تعصبات قومی، به نفی و انکار و تمسخر قومیت‌های داخلی یک کشور بپردازد، می‌تواند نیرویی ویرانگر محسوب شود. حال با توجه به این که هویت ملی ایرانی، زائیده‌ی فرهنگ‌های متفاوت با قومیت‌های خاص خود است و اگرچه این گونه‌گونی فرهنگی و قومیتی در بسیاری از موارد جاذب و زیبا به نظر می‌رسد، با اندکی بی‌دقتی و غفلت می‌تواند باعث نابودی و ویرانگری هویت ملی و سرزمینی خود شود.

بنابراین، تأکید تأثیر قومیت بر گرایش دانشجویان نسبت به هویت ملی و توجه خاص به ابعاد گرایش به هویت، در ساختار و شاکله‌ی آن، اهمیت ویژه‌ای دارد. در هر کشوری، گرایش‌ها و رویکردها نسبت به مقوله‌های قابل طرح در گستره‌ی حفظ هویت ملی، از طریق آموزش‌های علمی و دانشگاهی، تعلیم و تربیت و توجه به نسل جوان، از جمله اهداف درازمدت به‌شمار می‌آید. دانشجویان هر جامعه‌ای از یک طرف، توان و انرژی فراوانی دارند و قادر هستند تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر آینده‌ی آن جامعه داشته باشند و از طرف دیگر، می‌توانند فرهنگ را به سمتی که مطلوب جامعه نباشد، سوق دهند؛ زیرا میراث فرهنگی گذشتگان از سوی آنان به نسل بعد منتقل می‌شود. اگر دانشجویان در انتقال این میراث، امانت‌دار خوبی باشند، در مواجهه با فرهنگ‌های دیگر دچار از خودبیگانگی و خودباختگی فرهنگی نمی‌شوند و خواهند توانست امنیت فرهنگی جامعه را تأمین کنند. همه‌ی موارد یادشده از اهمیت ویژه‌ی هویت ملی قشر جوان، لزوم شناخت نگرش‌ها و گرایش‌های آن‌ها نسبت به هویت ملی و برنامه‌ریزی صحیح برای شکوفایی شخصیت

آنان، حکایت می‌کند. کشور ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست و اگرچه در طول تاریخ، دچار فراز و نشیب‌های فراوانی بوده، برای تعلیم و تربیت و گسترش هویت ملی نسل جوان خود تلاش می‌کند. بنابراین سؤالات اساسی تحقیق، این است که گرایش دانشجویان به هویت ملی چگونه است؟ و آیا گرایش دانشجویان به هویت ملی بر اساس وضعیت قومی آنان (تعلق به گروه قومی) تغییر می‌کند؟

ضرورت تحقیق

موضوع مورد بررسی از جنبه‌های متعددی دارای اهمیت و ضرورت است. از بعد نظری، اهمیت قضیه در آن است که اگرچه امروزه بخش بزرگی از تحقیقات در حوزه‌ی علوم اجتماعی به بحث‌های هویت ملی مربوط می‌شود، به ارتباط نظری بررسی رابطه‌ی میان قومیت و گرایش دانشجویان به هویت ملی، کم‌تر پرداخته شده است و محققان بیش‌تر به موضوع هویت و عوامل پیرامون آن اشاراتی داشته‌اند. چارچوب نظری تحقیق حاضر می‌تواند گامی در مسیر نظریه‌پردازی درباره‌ی ارتباط بررسی رابطه‌ی میان قومیت و گرایش دانشجویان به هویت ملی باشد و علاوه بر این، حلقه‌ی مفقوده‌ای را که در زمینه‌ی ارتباط بسیاری از متغیرها با هویت ملی وجود دارد، روشن و مشخص کند. هم‌چنین این پژوهش می‌تواند نقاط قوت و ضعف نظریه‌های مورد استفاده به‌ویژه درباره‌ی هویت ملی جامعه‌ی دانشجویان ایران را نشان دهد.

بنابراین اهمیت و ضرورت این پژوهش، دست‌اندرکاران را وادار می‌دارد تا با دقت نظر کافی و اتخاذ روش‌های مناسب، حساسیت‌های لازم را برای ایجاد آگاهی و حس تعلق به هویت ملی، در جوانان فراهم آورند و موجب بروز رفتارهای مناسب فردی و اجتماعی در این زمینه شوند. تحقق جامعه‌ی توسعه‌یافته مستلزم وجود افرادی است که باورها، گرایش‌ها و تمایلات لازم را برای پیشرفت و توسعه‌ی چنین جامعه‌ای داشته باشند. نسل جدید تحصیل کرده به‌عنوان سرمایه‌های اساسی جامعه، تعیین‌کننده و تسهیل‌کننده‌ی فرایند توسعه‌ی پایدار در همه‌ی مقوله‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... هستند. به‌علاوه، کسب باور صحیح و به دور از کم‌ترین خطای شناختی و گرایش‌های سالم و تمایلات کارآمد، مستلزم برخورداری از یک حس نسبتاً پایدار و منسجم نسبت به این مسأله که «من که هستم و که باید باشم؟» است. جامعه‌ای که مملو از فرزندان باشد که بتوانند به این سؤال پاسخ دهند- صرف‌نظر از این که این فرزندان دارای چه قومیتی هستند- از سرمایه‌ی اجتماعی و هویت فردی، جمعی و ملی غنی‌شده‌ای برخوردار

خواهد بود. حال، جوان بودن جمعیت کشور و ضرورت شناخت بهتر افراد به‌ویژه دانشجویان و شیوه‌ی برخورد با آنان، با توجه به نوع هویت‌یابی و رابطه‌ی آن با قومیتشان و نحوه‌ی شکل‌گیری گرایش آنان نسبت به مسائل هویتی، بر این مسأله تأکید می‌کند.

بنابراین شرایط قومی و تحولات داخلی ایران، بحث دیگری است که ضرورت تحقیق را نشان می‌دهد. با توجه به این که بحث‌های مربوط به قومیت در ایران در بیش‌تر موارد، به‌ویژه پس از انقلاب مشروطه، پس از سقوط رضاشاه و پس از انقلاب اسلامی، در کنار هم مطرح شده‌اند و در اغلب این موارد، خاص‌گرایی‌های هویتی و انحصارگرایی‌های قومی، مانع نهاده شدن یک هویت ملی و شکل‌گیری اتحاد و انسجام خاصی شده است، بررسی ارتباط این موضوع اهمیت ویژه‌ای دارد.

علاوه بر این، عوامل بین‌المللی نیز بر تحولات درونی قومیت‌ها در کشورهای متفاوت و فرایندهای هویت ملی اثرگذار هستند. ارتباطات فرهنگی از مهم‌ترین عواملی است که چنین تأثیراتی را تسهیل می‌کند. هم‌چنین با تسهیل تعاملات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی شرایط مناسبی برای اثرپذیری روند داخلی از فرایندهای بین‌المللی فراهم می‌شود. در چند دهه‌ی اخیر که فرایند جهانی شدن به‌واسطه‌ی انقلاب ارتباطات ناشی از پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیک، بر روابط بین‌الملل مستولی شده، چنین تأثیراتی مضاعف و اجتناب‌ناپذیر شده است. یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین تأثیرات جهانی شدن، تحول و دگرگونی دولت-ملت است (گل‌محمدی، ۱۳۸۲: ۳۷-۴۶). چون دموکراتیزاسیون در روند فرایند هویت ملی از وجوه اصلی جهانی شدن است (نش، ۱۳۸۰: ۱۰)، امروزه دولت‌های ملی بیش از پیش تحت فشار قرار گرفته‌اند تا از یک هویت ملی منسجم و وحدت ملی به دور باشند. حال، در صورتی می‌توان برای هدایت و راهبری وضعیت قومی قشر دانشجوی جامعه، برنامه‌ریزی اصولی کرد که وضعیت کنونی هویت ملی آنان شناخته و نقاط قوت و ضعف وضعیت موجود، مشخص شده باشد که انجام پژوهش حاضر می‌تواند این خلاء را پر کند. بنابراین تقویت بهینه‌ی وضعیت قومی در دانشجویان می‌تواند نقش بسیار مؤثری در عوامل گرایش^۱ آنان به هویت ملی داشته باشد. هم‌چنین با اتخاذ روش‌های مناسب برای ایجاد آگاهی و حس تعلق به قومیت از یک‌سوی و هویت ملی در دانشجویان از دیگر سوی، می‌توان شاهد جامعه‌ای توسعه‌یافته با باورها و هویت قومی و ملی غنی‌شده‌ای در آن‌ها بود.

^۱ Attitude

در نهایت، این تحقیق از بعد عملی یا کاربردی می‌تواند یک ارزیابی علمی از وضعیت هویت ملی- که خلاء آن کاملاً مشخص است- داشته باشد و راهبردهای مناسبی برای رفع چالش‌های موجود در این زمینه ارائه دهد.

اهداف تحقیق

- ۱ - شناسایی گرایش دانشجویان به هویت ملی برحسب قومیت.
- ۲ - شناسایی گرایش دانشجویان به هویت ملی برحسب قومیت با کنترل متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنس و تحصیلات).

پیشینه‌ی تحقیق

حاجیانی در سال ۱۳۷۹ به تحلیل جامعه‌شناسی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه پرداخته است. به عقیده‌ی او عوامل هویت ملی عبارتند از: اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی، سیاسی و دینی، فرهنگی، زبانی و ادبی. فرض اساسی این تحقیق آن بوده است که هویت ملی غالب (یا مسلط) در ایران شکل گرفته اما با چالش‌ها، آسیب‌ها و مسائلی مواجه است (حاجیانی، ۱۳۷۹: ۳۵-۳۶).

عبداللهی و حسین‌پُر، در سال ۱۳۸۱ به بررسی گرایش دانشجویان بلوچ به هویت ملی پرداختند. فرضیه‌ی اصلی آن‌ها این بوده که گرایش دانشجویان بلوچ به هویت ملی یعنی احساس تعلق، تعهد و وفاداری آنان به سرزمین، ملت و دولت ایران با ویژگی‌های فردی و موقعیت دانشجویان، تعاملات اجتماعی آنان با گروه‌های اجتماعی و ورودی‌های حاصل از این نوع تعاملات همچون احساس رضایت از زندگی دانشجویان، رابطه دارد. نتایج به‌دست آمده نشان داد که دانشجویان بلوچ نسبت به برخی مؤلفه‌های هویت ملی به‌ویژه سرزمین و ملت ایران گرایش مثبت نسبتاً بالا دارند، ولی نسبت به مؤلفه‌ی سیاسی آن یعنی دولت بی‌اعتنا هستند. در تحلیل نهایی، متغیر میزان رضایت دانشجویان از تحصیل، کار و زندگی در ایران برجستگی خاصی پیدا کرد؛ به‌گونه‌ای که در تبیین و پیش‌بینی گرایش دانشجویان به هویت ملی، بالاترین سهم را به خود اختصاص داد. یافته‌های نظری این پژوهش ضمن تأیید رابطه‌ی هویت جمعی جوانان با برخی متغیرهای مورد توجه در دیدگاه‌های جامعه‌شناسی خرد، ضرورت توجه به متغیرهای کلان و تلفیق

این دو دسته از متغیرها را در قالب یک چارچوب مفهومی تلفیقی و جامع آشکار کرد (عبداللہی و حسین‌بر، ۱۳۸۱: ۱۰۱-۱۰۴).

احمدلو و افروغ در سال ۱۳۸۱، عوامل پای‌بندی جوانان دانشجوی شهر تبریز را به هویت ملی و هویت قومی مطالعه کرده و نتیجه گرفته‌اند که در میان جوانان تبریز، گرایش شدید به مؤلفه‌های هویت ملی به جز زبان و ادبیات فارسی وجود دارد و رابطه‌ی میان هویت ملی و قومی مثبت است (احمدلو و افروغ، ۱۳۸۱: ۱۴۳-۱۴۹).

رضایی، ریاحی و همکاران در سال ۱۳۸۶ به بررسی گرایش به هویت ملی و قومی در ترکمن‌های ایران پرداختند. در این پژوهش برای سنجش میزان گرایش به هویت ملی، چهار مؤلفه‌ی میراث فرهنگی، زبان، سرزمین و تاریخ در نظر گرفته شد. هویت قومی نیز بر اساس چهار مؤلفه‌ی میراث فرهنگی، زبان، مذهب و تاریخ مورد سنجش قرار گرفت. نتایج به‌دست آمده از اطلاعات و داده‌های گردآوری شده، حاکی از آن بود که ترکمن‌ها نه تنها گرایش بالایی به هویت قومی دارند، بلکه گرایش به هویت ملی نیز در آن‌ها بالاست و میان این دو نوع هویت، هم‌بستگی نسبتاً معناداری وجود دارد (رضایی، ریاحی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۱۹).

ربانی، یزدخواستی و همکاران در سال ۱۳۸۷ رابطه‌ی میان هویت ملی و هویت قومی دانشجویان آذری، بلوچ و عرب دانشگاه‌های دولتی کشور را بررسی کردند. نمونه‌ی پژوهش این تحقیق، ۶۳۹ نفر از دانشجویان بوده‌اند. نتایج نشان داد میان دو متغیر «احساس محرومیت نسبی» و «هویت ملی» رابطه‌ی منفی نسبتاً بالا و میان دو متغیر هویت ملی و هویت قومی رابطه‌ی مثبت، هم‌افزا و متوسطی وجود داشته است (ربانی، یزدخواستی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۳۷).

ایمان و روحانی در سال ۱۳۹۰ رابطه‌ی میان هویت اسلامی و هویت‌های رقیب (هویت قومی، ملی و جهانی) را مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن بوده که رابطه‌ی معنادار مثبتی میان هویت اسلامی و متغیرهای هویت ملی و قومی و رابطه‌ی معنادار منفی‌ای میان متغیرهای هویت اسلامی و هویت جهانی وجود داشته است. بر این اساس، دو هویت ملی و قومی، هویت اسلامی را تقویت می‌کنند و رابطه‌ی مثبتی با آن دارند و در واقع، هویت‌های قومی و ملی رقیبی برای هویت اسلامی محسوب نمی‌شوند. اما هویت جهانی برای هویت اسلامی، هویت رقیبی به‌شمار می‌آید (ایمان و روحانی، ۱۳۹۰: ۱۲۷-۱۳۰).

اریکسون نخستین بار، واژه‌ی هویت فردی را در سال ۱۹۶۸ به‌کار برد. به باور او، هویت احساسی است که فرد در اوایل دوره‌ی نوجوانی، خود را از دیگران مجزا و متمایز دانسته، برای

خویش ثبات و یکپارچگی قائل می‌شود و خود را شبیه تصوّر دیگران می‌داند (احمدی، هاشمی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۶۰). او ابتدا، اصطلاح «هویت من» را برای توصیف مسائل روانی برخی نظامیان بازگشته از جنگ جهانی دوم به کار برد و مشاهده کرد که این سربازان نمی‌توانند از عهده‌ی تغییر نقش خود از سرباز به شهروند برآیند و در انطباق با وظایف و مسؤولیت‌های جدید خود در جامعه ناتوان هستند (www.takbook.com، تاریخ مراجعه: ۱۳۹۱/۵/۲۳).

ارنسون^۱ در سال ۱۹۷۱ در تحقیقات خود، به این نتیجه دست یافت که در زمینه‌ی عزّت نفس باید اذعان کرد یکی از عوامل مهمّی که شخص را وا می‌دارد تا به نحو مؤثّری عمل کند و در کارهای خود جدّیت و پشتکار داشته باشد، هویت است.

لووینگر (۱۹۸۵) در نظریه‌ی خود از اصطلاح «تحوّل من» استفاده کرده است. این واژه در نظریه‌ی او، بر عوامل درگیر در تحوّل شخصیت همچون انگیزش، قضاوت اخلاقی، پیچیدگی شناختی و شیوه‌های درک خود و دیگری دلالت دارد.

جوردن^۲ (۱۹۹۴) دریافت که هویت، پیوندی ناگسستنی با تفاوت دارد و تفاوت‌ها همیشه دربرگیرنده‌ی قدرت هستند که از سوی جوامع، حکومت‌ها و نمادها ساخته و حفظ و تقویت می‌شوند. بنابراین هر جا تفاوت باشد، قدرت وجود دارد (جوردن، ۱۹۹۴: ۱۹۷).

ناتر^۳ (۱۹۹۷) در تحقیقات خود به این نتیجه رسید که مرزهای نژادی، جنسی، ملی و قومی که به صورت اجتماعی ساخته می‌شوند، به هیچ وجه دارای مبنای طبیعی برای هویت‌سازی نیستند (ناتر، ۱۹۹۷: ۱۴۶).

کلنر^۴ در سال ۱۹۹۶، در تحقیقات خود، هویت را در یک سیر تاریخی، به سه مرحله تقسیم کرده که این سه مرحله عبارتند از: ۱- هویت پیش‌مدرن ۲- هویت مدرن ۳- هویت پست‌مدرن (عبّاسی قادی و خلیلی کاشانی، ۱۳۸۹: ۳۶-۳۷).

کاستلز در سال ۱۳۸۲ هویت را فرایند معناسازی بر اساس یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه‌ی به هم پیوسته‌ای از ویژگی‌های فرهنگی دانسته که بر منابع معنایی دیگر، اولویت داده می‌شود (کاستلز، ۱۳۸۲: ۲۲-۲۳).

^۱ Ernson

^۲ Jordon

^۳ Natter

^۴ Kelner

مبانی نظری تحقیق

قومیت، متغیر مستقل این تحقیق به شمار می‌آید و عبارت است از مجموعه‌ای خاص از عوامل عینی، ذهنی، فرهنگی، اجتماعی، عقیدتی و نفسانی که در یک گروه انسانی متجلی می‌شود و آن را نسبت به دیگر گروه‌ها متمایز می‌سازد (الطایی، ۱۳۸۲: ۱۵۸). همچنین هویت ملی که متغیر وابسته‌ی این تحقیق محسوب می‌شود به معنای نظری است که فرد درباره‌ی نمادها و افتخارات ملت خویش دارد (آقامحمدیان و شیخ روحانی، ۱۳۸۲: ۲۴). به لحاظ لغوی واژه‌ی هویت از واژه‌ی Identitas مشتق شده و به دو معنای ظاهراً متناقض به‌کار می‌رود: ۱- همسانی و یکنواختی مطلق ۲- تمایز که دربرگیرنده‌ی ثبات یا تداوم در طول زمان است (جاکوبسن^۱، ۱۹۹۸: ۹).

هویت معمولاً در گرایش‌ها و احساسات افراد نمود می‌یابد، ولی بستر شکل‌گیری آن زندگی جمعی است. هویت، نمودیافته در شخصیت، جدا از دنیای اجتماعی دیگر افراد معنایی ندارد. هریک از افراد به تنهایی بی‌همتا و متغیر هستند، اما شخصیت کاملاً به صورت اجتماعی و به‌واسطه‌ی مراحل مختلف اجتماعی شدن، کنش و واکنش اجتماعی ساخته می‌شود (جنکینز^۲، ۱۹۹۶: ۲۰). در لغت‌نامه‌های زبان فارسی، هویت واژه‌ای عربی است و از ضمیر غایب مفرد مذکر «هو» به معنی «او»، مشتق شده است (الطائی، ۱۳۸۲: ۳۳).

متخصصان علوم اجتماعی به‌ویژه اندیشمندان جامعه‌شناسی برای تبیین و بررسی رابطه‌ی قومیت و هویت ملی، نظریات متفاوتی مطرح کرده‌اند که در این قسمت به توضیح برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود.

امیل دورکیم

یکی از مفاهیم کلیدی در اندیشه‌ی امیل دورکیم^۳ مفهوم وجدان جمعی در گروه‌های انسانی است. او وجدان جمعی را «مجموعه‌ی باورها و احساسات مشترک در بین حدّ وسط اعضای یک جامعه» تعریف می‌کند. وجدان جمعی بر سر همه‌ی افراد از شمالی و جنوبی، شهری و روستایی و... سایه افکنده و از فرهنگی به فرهنگ دیگر تفاوتی ندارد؛ به عبارت دیگر تغییر فرهنگ یا نو شدن نسل‌ها، تغییری در وجدان جمعی به‌وجود نمی‌آورد و هم‌چنان ثابت باقی می‌ماند.

^۱ Jacobson

^۲ Jenkins

^۳ Emile Durkhaime

دورکیم برای نشان دادن چگونگی تحوّل وجدان جمعی و در نتیجه شدّت و ضعف آن، مفاهیم هم‌بستگی مکانیکی و ارگانیکی را که نشان‌دهنده‌ی دو سازمان اجتماعی متفاوتند، به کار می‌برد. به نظر او هرچه هم‌بستگی مکانیکی بیش‌تر باشد، وجدان جمعی نیز قوی‌تر خواهد بود.

تضعیف وجدان جمعی موجب ایجاد وضعیّت بحرانی و از هم‌پاشیدگی پیوندهای گروهی می‌شود. در چنین وضعیّتی نفوذ نظارت‌کننده در جامعه بر گرایش‌های فردی کارآیی خود را از دست می‌دهد و افراد جامعه به حال خود رها می‌شوند. دورکیم این وضعیّت را که متناسب با شرایط جوامع جدید است، «آنومی» یا «بی‌هنجاری» می‌نامد و به دنبال راه‌حلی برای رهایی از این وضعیّت بحرانی می‌گردد؛ به عبارت دیگر در شرایط آنومی، درجه‌ی تعهّد و عشق افراد به دیگران کاهش چشمگیری پیدا می‌کند و این در حقیقت، همان بحران هویت است که دورکیم در پی ارائه‌ی راه حل آن است (کوزر، ۱۳۷۵: ۱۹۰-۱۹۲).

جورج هومنز

هومنز معتقد است هرگاه شخصی پاداشی را که از کنش خود انتظار دارد، به دست نیابد و یا تنبیهی دریافت کند، از خود رفتار پرخاشگرانه‌ای نشان می‌دهد. در واقع، هومنز کنش‌گر را یک سودجوی عاقل می‌انگارد (ریتزر، ۱۳۷۴: ۳۲۱-۳۲۴). بنابراین اگر فرد از نتیجه‌ی مطلوب عملی که انجام می‌دهد، محروم باشد برای به دست آوردن آن تلاش بیش‌تری خواهد کرد و هر عملی که پاداش بیش‌تری برای فرد داشته باشد، تکرار آن عمل نیز بیش‌تر می‌شود.

هومنز در قاعده‌ی عدالت توزیعی می‌گوید: «هرچه قاعده‌ی عدالت توزیعی (تناسب بین هزینه و پاداش - لیاقت و شایستگی) کم‌تر رعایت شود و بیش‌تر در جهت زیان یک فرد عمل کند، احتمال بیش‌تری دارد آن فرد رفتاری عاطفی که فرد را به پرخاش‌گری و خشونت می‌کشاند، از خود نشان دهد» (ریتزر، ۱۳۷۴: ۴۳۱). بر مبنای این دیدگاه، وفاق و یک‌دلی و هم‌دلی در جامعه‌ای وجود دارد که در میان اقوام آن، عدالت توزیعی رعایت شود. در غیر این صورت، وقتی که فرد احساس محرومیّت و تبعیض کند، به هنجارهای اجتماعی احترام واقعی نمی‌گذارد و ارزش‌ها و الگوهای عام جمعی را نمی‌پذیرد. همین امر خودبه‌خود جریان رشد هویت فردی و قومی را متوقّف می‌سازد و در روند جریان پذیرش هویت ملّی اختلال ایجاد می‌کند.

پیتر بلاو

به عقیده‌ی بلاو اگر پیوند اجتماعی یا هم‌گروهی برای کلّ افراد جامعه، پاداش‌های متقابل به همراه داشته باشد، پیوند اجتماعی حفظ و تقویت می‌شود؛ یعنی، انسان‌ها به این سبب در یک

گروه اجتماعی پیوند می‌خورند که از این پیوند، منافع متقابلی به‌دست می‌آورند و پاداش‌های متقابلی از رهگذر کنش متقابل، نصیب آن‌ها می‌شود. پیوند اجتماعی هرچه پاداش‌های متقابل بیش‌تری برای اعضای خود در بر داشته باشد، رشته‌ی هم‌گروهی و هم‌بستگی آن نیرومندتر و گسست‌ناپذیرتر است.

از دید پیر بلو، کنش متقابل اجتماعی نخست در چارچوب گروه‌های اجتماعی روی می‌دهد. انسان‌ها هرگاه احساس کنند روابط یک گروه پاداش‌های بیش‌تر از روابط با گروه‌های دیگر به آن‌ها عرضه می‌کند، جذب آن گروه می‌شوند (ریتزر، ۱۳۷۴: ۴۳۶). بلاو، ارزش‌ها و هنجارهای مورد توافق همگانی را به‌عنوان میانجیان زندگی اجتماعی و حلقه‌های پیوند میان تبادلات اجتماعی در نظر می‌گیرد. بنابراین، ارزش‌های مشترک گوناگون را می‌توان به‌عنوان میانجیان تبادلات اجتماعی به‌شمار آورد. توافق بر سر ارزش‌های اجتماعی، به‌عنوان مبنایی برای گسترش دامنه‌ی تبادلات اجتماعی به فراسوی حدود تماس‌های مستقیم اجتماعی عمل می‌کند و ساختارهای اجتماعی را تا فراسوی پهنه‌ی زندگی انسان‌ها پایدار نگه می‌دارد (همان: ۴۴۰).

نیکوس پولانزاس

پولانزاس، کارکرد اصلی دولت را حفظ هم‌بستگی اجتماعی از لحاظ سیاسی و ایدئولوژیک می‌داند (ریتزر، ۱۳۷۴: ۲۲۹). او ضمن پذیرش و تأکید بر عوامل اقتصادی که سرانجام تعیین‌کننده است و نیز ضمن تأکید بر کارکرد اصلی دولت که حفظ هم‌بستگی اجتماعی است، معتقد بوده که ویژگی دولت سرمایه‌داری نوین این است که زمان و مکان را در خود حل می‌کند و چارچوب‌هایی از زمان و مکان را بر پا می‌دارد؛ به‌گونه‌ای که زمان و مکان در رهگذر کنش دولت، به شبکه‌های سلطه و قدرت بدل می‌شوند بدین سان که ملت مدرن محصول دولت مدرن است (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۹۷).

طبق دیدگاه پولانزاس، به سبب جایگاهی که دولت مدرن در نظام سرمایه‌داری برای گروه‌های انسانی و قومیت‌ها دارد، هویت ملی غالب می‌شود و این نیز به دلیل نقش ایدئولوژی در دولت مدرن است. ایدئولوژی دولت مدرن، ضمن اجتماعی کردن افراد در هویت قومیت‌های گوناگون، آن‌ها را به سمت هویت ملی هم سوق می‌دهد. در این زمینه باید گفت که به علت غلبه‌ی دیدگاه ساختارگرایی بر اندیشه‌ی پولانزاس، گزینش ارادی و آگاهانه‌ی هویت معنا ندارد؛ زیرا ساختارها، تعیین‌کننده هستند و آن چه که ساختار سیاسی کل به افراد دیکته می‌کند، هویت قومی و ملی افراد را مشخص می‌سازد.

جمع‌بندی پیشینه‌ی تجربی و دیدگاه‌های نظری

هم‌چنان‌که با مروری بر پیشینه‌ی تحقیق مشخص شد:

- ۱ - هویت یکی از عوامل مهمی است که شخص را و می‌دارد تا به نحو مؤثری عمل کند و در کارهای خود جدیت و پشتکار داشته باشد.
- ۲ - دانشجویان نسبت به برخی مؤلفه‌های هویت ملی به‌ویژه سرزمین و ملت ایران، گرایش مثبت نسبتاً بالا دارند ولی نسبت به مؤلفه‌ی سیاسی آن یعنی دولت بی‌اعتنا هستند.
- ۳ - گرایش شدید به مؤلفه‌های هویت ملی در میان دانشجویان وجود دارد و رابطه‌ی میان هویت ملی و قومی مثبت است.
- ۴ - برخی قومیت‌ها در ایران (مانند ترکمن‌ها) نه تنها گرایش بالایی به هویت قومی دارند، بلکه گرایش به هویت ملی نیز در آن‌ها بالاست و میان این دو نوع هویت، هم‌پستگی نسبتاً معناداری وجود دارد.
- ۵ - میان دو متغیر «احساس محرومیت نسبی» و «هویت ملی» رابطه‌ی منفی نسبتاً بالا و میان دو متغیر هویت ملی و هویت قومی رابطه‌ی مثبت، هم‌افزا و متوسطی دیده می‌شود.
- ۶ - رابطه‌ی معنادار مثبتی میان هویت اسلامی و متغیرهای هویت ملی و قومی و رابطه‌ی معنادار منفی‌ای میان متغیرهای هویت اسلامی و هویت جهانی وجود دارد.
- ۷ - عوامل هویت ملی عبارتند از: اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی، سیاسی و دینی، فرهنگی، زبانی و ادبی.

فرضیه‌ها

بر اساس پیشینه‌ی نظری و تجربی موضوع، فرضیه‌های تحقیق به شرح زیر است:

- ۱ - گرایش به هویت ملی، برحسب قومیت تفاوت می‌پذیرد.
- ۲ - تفاوت گرایش به هویت ملی برحسب قومیت با کنترل متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنس و تحصیلات) تغییر نمی‌پذیرد.

روش تحقیق

از لحاظ منطق روش‌شناختی، در این مطالعه از روش تحقیق پیمایشی^۱ استفاده شده است. جامعه‌ی آماری تحقیق، شامل همه‌ی دانشجویان شاغل به تحصیل دانشگاه‌های دولتی و آزاد اسلامی (روزانه و شبانه) در نیم‌سال دوم سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ مستقر در مرکز استان گلستان است که تعداد آن‌ها بر اساس آخرین آمار ۸۳۱۱۰ نفر بوده است. از این تعداد، ۵۶۲۰۳ نفر در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی دولتی و ۲۶۹۰۷ نفر در دانشگاه‌های آزاد اسلامی مشغول به تحصیل بوده‌اند (روابط عمومی دانشگاه‌های استان گلستان). برای تعیین حجم نمونه از فرمول منطقی کوکران استفاده شده است؛ بدین شرح که نمونه‌ی آماری تحقیق با استفاده از این فرمول، ۳۸۴ نفر محاسبه و برآورد گردید و برای اطمینان بیش‌تر حجم نمونه به ۴۳۰ نفر افزایش داده شد. جدول زیر جمعیت آماری و نمونه‌ی آماری پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول شماره‌ی یک- جمعیت آماری و نمونه‌ی آماری پژوهش

ردیف	نام دانشگاه	تعداد جمعیت دانشجویی	تعداد نمونه آماری
۱	دانشگاه‌های دولتی (دانشگاه گلستان، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، دانشگاه پیام نور گرگان)	۵۶۲۰۳	۲۹۱
۲	دانشگاه‌های آزاد (دانشگاه آزاد اسلامی گرگان)	۲۶۹۰۷	۱۳۹
۳	مجموع	۸۳۱۱۰	۴۳۰

برای انتخاب نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای توأم با تصادفی طبقه‌ای متناسب، استفاده شده است. طبقات نمونه‌گیری نوع دانشگاه‌های استان (دولتی و آزاد) و جنسیت دانشجو (دختر و پسر) هستند که متناسب با توزیع جمعیت آماری نمونه‌ها نیز توزیع شده‌اند. با توجه به ماهیت موضوع تحقیق و مفاهیم و متغیرهای آن، داده‌های مورد نیاز تحقیق، از طریق تکنیک پرسش‌نامه به روش میدانی گردآوری شده است.

^۱ Survey

در تهیه‌ی پرسش‌ها یا مقیاس‌های لازم برای سنجش متغیرها سعی شده این پرسش‌ها یا مقیاس‌ها تا حد امکان از هر دو مبنای نظری و تجربی برخوردار باشند. برای این منظور تلاش شده است تا گویه‌ها هم متناسب با ویژگی‌های نظری متغیر مربوط باشند و هم تا حد ممکن با استفاده از تجربیات سایر محققان و متناسب با شرایط فرهنگی و اجتماعی ایران و استان گلستان طرح شوند. برای برطرف کردن نارسایی‌های پرسش‌نامه و پرسش‌های طرح‌شده، در دو نوبت، پیش‌آزمون^۱ انجام شده است. داده‌های به‌دست آمده در تحقیق، پس از انجام مراحل استخراج، کدگذاری و ورود اطلاعات به کامپیوتر، با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

روایی و پایایی ابزار گردآوری داده‌ها

برای افزایش میزان اعتبار ابزار سنجش، در تحقیق حاضر سعی شد ابتدا با مروری بر پژوهش‌های مرتبط، مقیاس‌هایی مناسب برای اندازه‌گیری متغیرها تهیه شود. سپس برای رسیدن به یک اعتبار صوری، از نظرات و مشورت‌های برخی استادان، دانشجویان مقطع دکتری و نیز برخی محققان مرکز افکارسنجی ایران استفاده شد و در نهایت نیز با انجام پیش‌آزمون، به‌دست آوردن ماتریس هم‌بستگی داده‌ها و تحلیل عامل^۲ سعی گردید تا حد امکان عبارات ناهم‌بسته کنار گذاشته شوند و از تداخل مفهومی متغیرها جلوگیری شود.

هم‌چنین در این تحقیق، برای تحلیل پایایی مقیاس‌های پرسش‌نامه به منظور ارزیابی میزان انسجام درونی گویه‌ها و شناسایی گویه‌های نامناسب، از ضریب پایایی یا آلفای کرونباخ^۳ استفاده شده است. آلفا آماره‌ای است که نشان‌دهنده‌ی شاخص پایایی کل مقیاس ساخته‌شده از گویه‌ها است. محاسبات انجام‌شده میزان ضریب آلفای مفاهیم اصلی تحقیق را ۰/۷۸۵ نشان داده است.

یافته‌های تحقیق

۱- گرایش نسبت به هویت ملی

در این قسمت، یافته‌های تحقیق بر اساس سؤالات، اهداف و فرضیه‌های تحقیق، ساماندهی می‌شود. ابتدا متغیرهای اصلی تحقیق، توصیف و سپس گزارش آزمون فرضیه‌ها ارائه می‌گردد. متغیر وابسته‌ی تحقیق، گرایش به هویت ملی است که با استفاده از ۲۱ سؤال، در ۳ بُعد مورد

^۱ pretest

^۲ factor analysis

^۳ alpha

سنجش قرار می‌گیرد. هر یک از ابعاد سه‌گانه‌ی گرایش به هویت ملی شامل ۷ گویه است. جدول‌های زیر توزیع فراوانی پاسخ‌گویان را برحسب گویه‌های سنجش متغیر وابسته‌ی تحقیق (گرایش به هویت ملی) نشان می‌دهد.

جدول شماره‌ی دو- توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب آگاهی نسبت به هویت ملی (حیطه‌ی شناختی گرایش)

ردیف	گویه‌های متغیر وابسته	کاملاً موافقم		موافقم		بدون نظر		مخالقم		کاملاً مخالفم		میانگین
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
۱	به نیکی یاد کردن	۸۰	۱۸/۶	۱۴۴	۳۳/۵	۱۱۵	۲۶/۷	۷۵	۱۷/۴	۱۶	۳/۷	۳/۴۶
۲	ایرانیان ذاتاً هنرمند هستند	۱۳۷	۳۱/۹	۲۱۴	۴۹/۸	۵۵	۱۲/۸	۲۱	۴/۹	۳	۰/۷	۴/۰۷
۳	باهوش بودن ایرانیان	۱۰۶	۲۴/۷	۱۶۶	۳۸/۶	۱۱۲	۲۶	۳۵	۸/۱	۱۱	۲/۶	۳/۷۵
۴	خستگی‌ناپذیر بودن ایرانیان	۹۳	۲۱/۶	۱۶۲	۳۷/۷	۸۱	۱۸/۸	۷۶	۱۷/۷	۱۸	۴/۲	۳/۵۵
۵	عظمت قدرت تخت جمشید	۲۱۲	۴۹/۳	۱۵۹	۳۷	۴۹	۱۱/۱	۱۹	۴/۷	۴	۰/۹	۴/۳۰
۶	عظمت شاعران ایرانی	۲۹۳	۶۸/۱	۱۱۸	۲۷/۴	۱۲	۲/۷	۴	۰/۹	۲	۰/۵	۴/۶۲
۷	خوب شناختن آثار باستانی	۵۸	۱۳/۵	۲۱۲	۴۹/۳	۱۰۴	۲۴/۲	۵۰	۱۱/۶	۶	۱/۴	۳/۶۲
میانگین = ۳/۹۱												

داده‌های جدول فوق، وضعیت نمونه‌ی مورد مطالعه را با توجه به آگاهی پاسخ‌گویان از هویت ملی، نشان می‌دهد. هم‌چنان‌که ملاحظه می‌شود، از ۷ گویه‌ی مربوط به آگاهی دانشجویان از هویت ملی، میانگین پاسخ‌ها در حد بالاتر از «متوسط» (۳/۹۱ از ۵) به‌دست آمده است.

جدول شماره‌ی سه- توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب احساس نسبت به هویت ملی (حیطه‌ی عاطفی گرایش)

ردیف	گویه‌های متغیر وابسته	کاملاً موافقم		موافقم		بدون نظر		مخالقم		کاملاً مخالفم		میانگین
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
۱	هیچ جایی ایران نیست	۲۴۰	۵۵/۸	۱۰۳	۲۴	۵۱	۱۱/۹	۲۴	۵/۶	۱۲	۲/۸	۴/۲۴
۲	خوشحالی از تولدم در ایران	۲۲۷	۵۲/۸	۱۱۳	۲۶/۳	۶۲	۱۴/۴	۱۳	۳	۱۵	۳/۵	۴/۲۲
۳	خوشحالی از زندگی در ایران	۲۰۳	۴۷/۲	۱۲۳	۲۸/۶	۶۳	۱۴/۷	۲۳	۵/۳	۱۸	۴/۲	۴/۰۹
۴	افتخار به هنجار کشورم	۱۳۳	۲۸/۶	۱۳۴	۳۱/۲	۹۶	۲۲/۳	۴۹	۱۱/۴	۲۸	۶/۵	۳/۶۴
۵	افتخار به جشن‌های کشورم	۱۷۸	۴۱/۴	۱۵۸	۳۶/۷	۶۵	۱۵/۱	۱۳	۳	۱۶	۳/۷	۴/۰۹
۶	غرور از معرفی‌ام به ایرانی بودن	۱۹۰	۴۴/۲	۱۵۵	۳۶	۶۰	۱۴	۱۵	۳/۵	۱۰	۲/۳	۴/۱۶
۷	نماد کشورم، عواطفم را به وجد می‌آورد	۱۹۳	۴۴/۹	۱۶۸	۳۹/۱	۵۳	۱۲/۳	۱۰	۲/۳	۵	۱/۴	۴/۲۴
میانگین = ۴/۰۹۷												

داده‌های جدول فوق، وضعیت نمونه‌ی مورد مطالعه را با توجه به احساس پاسخ‌گویان نسبت به هویت ملی، نشان می‌دهد. همچنان‌که مشاهده می‌شود، از ۷ گویه‌ی مربوط به احساس دانشجویان نسبت به هویت ملی، میانگین پاسخ‌ها در حد بالاتر از «زیاد» (۴/۰۹۷ از ۵) به دست آمده است.

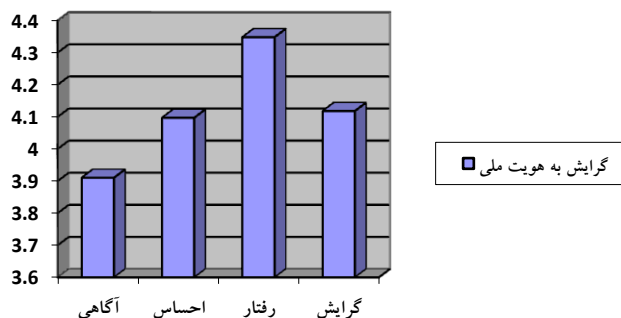
جدول شماره‌ی چهار- توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب تمایل به کنش نسبت به هویت ملی (حیطه‌ی رفتاری گرایش)

ردیف	گویه‌های متغیر وابسته	کاملاً موافقم		موافقم		بدون نظر		مخالقم		کاملاً مخالفم		میانگین
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
۱	به ارزش‌های کشورم افتخار می‌کنم	۱۸۸	۴۳/۷	۱۳۹	۳۲/۳	۷۶	۱۷/۷	۱۲	۲/۸	۱۵	۳/۵	۴/۱۰
۲	اعتقادات کشورم را زیر پا نمی‌گذارم	۲۱۳	۴۹/۵	۱۴۶	۳۴	۵۴	۱۲/۶	۹	۲/۱	۸	۱/۹	۴/۲۷
۳	تلاش برای شناساندن تمدن ایران به جهان	۱۷۴	۴۰/۵	۱۷۵	۴۰/۷	۶۵	۱۵/۱	۱۱	۲/۶	۵	۱/۲	۴/۱۷
۴	عدم اجازه به طمع نسبت به سرزمینم	۲۲۸	۵۲	۱۵۷	۳۶/۵	۳۵	۸/۱	۹	۱/۴	۴	۰/۹	۴/۳۹
۵	عدم اجازه به از دست رفتن خاک ایران	۲۶۵	۶۱/۶	۱۲۱	۲۸/۱	۴۷	۸/۶	۴	۰/۹	۲	۰/۷	۴/۴۹
۶	در برابر حمله‌ی دیگران دفاع می‌کنم	۳۴۹	۵۵/۶	۱۴۷	۳۴/۲	۳۸	۸/۸	۲	۰/۷	۲	۰/۷	۴/۴۳
۷	از ایرانی بودنم دفاع می‌کنم	۲۸۹	۶۷/۲	۱۱۴	۲۶/۵	۲۰	۴/۷	۵	۱/۲	۲	۰/۵	۴/۵۹
میانگین = ۴/۳۴۸												

داده‌های جدول فوق، وضعیّت نمونه‌ی مورد مطالعه را با توجه به تمایل پاسخ‌گویان به کنش نسبت به هویت ملی، نشان می‌دهد. هم‌چنان‌که ملاحظه می‌شود، از ۷ گویه‌ی مربوط به رفتار دانشجویان نسبت به هویت ملی، میانگین پاسخ‌ها در حدّ بالاتر از «زیاد» (۴/۳۴۸ از ۵) به‌دست آمده است.

مقایسه‌ی داده‌های جدول‌های فوق نشان‌دهنده‌ی آن است که از میان ۴۳۰ نفر دانشجوی مورد مطالعه، در بیش‌تر گویه‌ها نزدیک به ۷۰ درصد و به میزان زیاد، به هویت ملی گرایش دارند. اما ابعاد سه‌گانه‌ی گرایش به هویت ملی بیانگر آن است که بعد رفتاری گرایش دانشجویان به هویت ملی بالاتر از دو بعد دیگر است و بعد عاطفی گرایش آنان نیز بالاتر از بعد شناختی قرار دارد.

شاخص میانگین نیز حاکی از آن است که در مجموع، گرایش دانشجویان به هویت ملی، در حدّ بیش از «زیاد» (۴/۱۱۸ از ۵) به‌دست آمده است.



نمودار شماره‌ی یک- مقایسه‌ی ابعاد گرایش به هویت ملی

۲- توزیع پاسخ‌گویان برحسب قومیت

جدول شماره‌ی پنج، توزیع فراوانی پاسخ‌گویان نمونه را برحسب تعلق به گروه قومی نشان

می‌دهد.

جدول شماره‌ی پنج- توزیع فراوانی پاسخ‌گویان نمونه برحسب قومیت

ردیف	قومیت	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی
۱	آذری	۱۴	۳/۳
۲	فارس	۲۶۸	۶۲/۳
۳	ترکمن	۱۱۱	۲۵/۸
۴	سیستانی	۱۹	۴/۴
۵	بلوچ	۳	۰/۷
۶	کرد	۱۳	۳
۷	لر	۲	۰/۵
	جمع	۴۳۰	۱۰۰

داده‌های جدول بالا، وضعیت نمونه‌ی مورد مطالعه را با توجه به قومیت پاسخ‌گویان نشان می‌دهد. قومیت به‌عنوان عنصری فرهنگی، بستری است که رفتار در آن شکل می‌گیرد و تعلق قومی می‌تواند هم از طریق تحصیل و تقویت اشاعه‌ی ایده‌های جدید و هم تأکید بر حفظ ارزش‌ها

و هنجارهای قوی و ممانعت از پذیرش ایده‌های جدید، به صورت دوگانه و در جهات مختلف، رفتار افراد را نسبت به پدیده‌های محیط اجتماعی تحت تأثیر قرار دهد. عوامل مهمی چون قومیت در استان گلستان و مهاجرت تحصیلی دانشجویان از گروه‌های قومی دیگر از سراسر کشور برای ادامه‌ی تحصیل، ناخودآگاه موقعیت قومی پاسخ‌گویان را مهم جلوه می‌دهد. در این جمعیت آماری بیش از ۶۲ درصد از پاسخ‌گویان فارس، بیش از ۲۵ درصد ترکمن، ۴/۴ درصد سیستانی، ۳/۳ درصد آذری، ۳ درصد کرد، ۵/۰ درصد بلوچ و ۷/۰ درصد لر هستند. بنابراین بالاترین تراکم پس از قوم فارس، به قوم ترکمن تعلق دارد و کم‌ترین تراکم نیز از آن قوم لر است.

۳- تفاوت میان قومیت و گرایش به هویت ملی

با استفاده از آزمون آنالیز واریانس یک‌طرفه، تفاوت میان قومیت و گرایش به هویت ملی مورد سنجش قرار گرفته و نتیجه‌ی محاسبات آماری در جدول زیر منعکس شده است.

جدول شماره‌ی شش- تفاوت میان قومیت و گرایش به هویت ملی

متغیر مستقل	گزینه‌ها	میانگین	درجه‌ی آزادی	مقدار آزمون F	سطح معنی‌داری
قومیت	آذری	۸۶/۶۴۲	۷	۰/۹۵۷	۰/۲۹۳
	فارسی	۸۶/۳۴۳			
	ترکمن	۸۶/۵۴۹			
	سیستانی	۸۵/۵۲۶			
	بلوچ	۸۷/۰۰۰			
	کرد	۹۰/۱۵۳			
	لر	۸۲/۵۰۰			

چون داده‌های متغیر مستقل مورد بررسی کمی و داده‌های متغیر وابسته‌ی مورد بررسی نیز کیفی چندگروهی است، با استفاده از آزمون تحلیل واریانس (ANOVA) به‌عنوان مناسب‌ترین آزمون برای نشان دادن وجود یا نبود تفاوت معنی‌دار میان میزان گرایش به هویت ملی و قومیت‌های مختلف، افراد جامعه‌ی آماری مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. نتیجه‌ی آزمون با توجه به مقدار محاسبه‌شده که برابر با ۰/۹۵۷ و سطح معنی‌داری آن که برابر با ۰/۲۹۳ است، از نبود تفاوت معنی‌دار میان میزان گرایش افراد با قومیت‌های مختلف نسبت به هویت ملی حکایت دارد.

۴- رتبه‌بندی اقوام برحسب گرایش نسبت به هویت ملی

اگرچه تفاوت‌های موجود در گرایش دانشجویان به هویت ملی میان اقوام مختلف از لحاظ آماری معنی‌دار نبوده است، مقایسه‌ی آن‌ها تفاوت‌های جزئی را نشان می‌دهد که بر اساس آن می‌توان دانشجویان متعلق به گروه‌های قومی مختلف را رتبه‌بندی کرد. جدول زیر رتبه‌بندی اقوام را برحسب گرایش به هویت ملی نشان می‌دهد.

جدول شماره‌ی هفت- رتبه‌بندی اقوام برحسب گرایش به هویت ملی

رتبه	تعلق به گروه قومی	میانگین
۱	کرد	۹۰/۱۵۳
۲	ترک	۸۶/۶۴۲
۳	ترکمن	۸۶/۵۴۹
۴	فارس	۸۶/۳۴۳
۵	سیستانی	۸۵/۵۲۶
۶	لر	۸۲/۵۰۰

رتبه‌بندی دانشجویان برحسب میزان گرایش به هویت ملی به تفکیک تعلق به گروه قومی نشان می‌دهد که دانشجویان کرد بالاترین گرایش را نسبت به هویت ملی دارند، در حالی که دانشجویان لر در کم‌ترین حد قرار گرفته‌اند. پس از کردها، ترک‌ها و ترکمن‌ها قرار می‌گیرند. فارس‌ها نیز در رتبه‌ی پنجم جای دارند. سیستانی‌ها از آن‌جا که قوم محسوب نمی‌شوند و صرفاً یک گروه زبانی و لهجه‌ای از زبان فارسی به‌شمار می‌آیند، نزدیک به فارس‌ها قرار دارند. در مجموع، این رتبه‌بندی کاملاً نسبی بوده و همان‌گونه که نتیجه‌ی آزمون نشان داده است، از لحاظ آماری تفاوت معنی‌داری میان گروه‌های قومی از نظر گرایش به هویت ملی وجود ندارد.

۵- هویت و رشته‌ی تحصیلی

بررسی گرایش به هویت ملی برحسب رشته‌ی تحصیلی می‌تواند نتایج جالبی ارائه دهد. بر این اساس، تفاوت گرایش دانشجویان برحسب رشته‌ی تحصیلی مورد مطالعه قرار گرفته که نتیجه‌ی محاسبات آن در جدول شماره‌ی هشت منعکس شده است.

جدول شماره ی هشت- تفاوت میان رشته ی تحصیلی با گرایش به هویت ملی

متغیر مستقل	گزینه ها	میانگین	درجه ی آزادی	مقدار آزمون F	سطح معنی داری
رشته ی تحصیلی	علوم انسانی	۸۷/۳۴۶	۵	۵/۰۵۷	۰/۰۰۰
	علوم پایه	۹۰/۰۲۶			
	علوم کشاورزی	۸۱/۳۶۳			
	علوم فنی و مهندسی	۹۵/۰۰۰			
	علوم پزشکی و بهداشت	۷۸/۳۲۳			
	هنر و معماری	۸۴/۹۴۷			

هم چنان که ملاحظه می شود نتیجه ی آزمون آنالیز واریانس یک طرفه برابر با ۵/۰۵۷ و سطح معنی داری آن نیز برابر با ۰/۰۰۰ است که این امر از وجود تفاوت معنی دار میان میزان گرایش افراد به هویت ملی، برحسب رشته های مختلف تحصیلی حکایت دارد؛ به گونه ای که این گرایش برای رشته ی علوم مهندسی با میانگین ۹۵ بیش ترین و برای رشته ی علوم پزشکی و بهداشت، با میانگین ۷۸/۳۲ کم ترین است.

جدول شماره ی نه- رتبه بندی گرایش به هویت ملی برحسب رشته ی تحصیلی

رتبه	گزینه ها	میانگین
۱	علوم فنی و مهندسی	۹۵/۰۰۰
۲	علوم پایه	۹۰/۰۲۶
۳	علوم انسانی	۸۷/۳۴۶
۴	هنر و معماری	۸۴/۹۴۷
۵	علوم کشاورزی	۸۱/۳۶۳
۶	علوم پزشکی و بهداشت	۷۸/۳۲۳

رتبه بندی گرایش به هویت ملی نشان می دهد که دانشجویان رشته های فنی و مهندسی و سپس علوم پایه بالاترین گرایش را به هویت ملی دارند، در حالی که دانشجویان رشته های علوم پزشکی

و علوم کشاورزی در رتبه‌های آخر قرار گرفته‌اند. دانشجویان رشته‌های علوم انسانی و هنر نیز در میانه جای دارند.

۶- گرایش به هویت برحسب جنسیت

جدول شماره‌ی ده- گرایش به هویت ملی برحسب جنسیت

متغیر مستقل	گزینه‌ها	تعداد	میانگین	مقدار آزمون	سطح معنی داری
جنسیت	مرد	۲۶۹	۸۷/۷۶۴	۱/۶۵۵	۰/۰۹۹
	زن	۱۶۱	۸۵/۷۳۲		

نتیجه‌ی آزمون مقایسه‌ی میانگین‌ها، نشان‌دهنده‌ی آن است که میان دو جنس مرد و زن تفاوت معنی‌داری از لحاظ گرایش به هویت ملی دیده نمی‌شود، اما مردان اندکی بیش از زنان به هویت ملی گرایش دارند.

نتیجه‌گیری

در دهه‌های پایانی قرن کنونی، شاهد شور و هیجان ملی اقوام بسیاری هستیم که می‌کوشند با پیوند عوامل قومی و زبانی، دولت ملی و ملیت مستقلی برای خود ایجاد کنند. در جوامع، هنگامی که کیستی افراد دچار تردید و ابهام و تعارض گردد، بحران هویت تشدید می‌شود و در پی آن، گسست نسل‌ها اتفاق می‌افتد که در این میان، نسل جوان بیش‌تر از همه متضرر می‌شود. احساس هویت ملی اگر در حد متعادل باشد می‌تواند به‌عنوان نیرویی برای رشد فرهنگ و قومیت‌های مختلف در هر کشور لحاظ شود، ولی اگر به‌طور نابه‌جا به قلمرو تعصبات ملی و قومی و نژادی وارد گردد یا به بهانه‌ی چالش با تعصبات قومی، به نفی و انکار و تمسخر قومیت‌های داخلی یک کشور بپردازد، می‌تواند نیرویی ویرانگر محسوب شود. سؤالات اساسی تحقیق، این بوده است که گرایش دانشجویان به هویت ملی چگونه است؟ و آیا گرایش دانشجویان به هویت ملی بر اساس تعلق آنان به گروه قومی تغییر می‌کند؟

محاسبه‌ی ابعاد سه‌گانه‌ی گرایش به هویت ملی، گویای آن است که بعد رفتاری گرایش دانشجویان به هویت ملی (۴/۳۴۸) بالاتر از دو بعد دیگر است و بعد عاطفی گرایش آنان (۴/۰۹۷) نیز بالاتر از بعد شناختی (۳/۹۱۰) قرار دارد. بنابراین بعد شناختی در کم‌ترین حد قرار گرفته است.

شاخص میانگین نیز نشان می‌دهد که در مجموع، گرایش دانشجویان به هویت ملی، در حدّ زیاد (۴/۱۱۸ از ۵) است.

نتیجه‌ی آزمون حاکی از نبود تفاوت معنی‌دار میان میزان گرایش افراد با قومیت‌های مختلف نسبت به هویت ملی است. رتبه‌بندی دانشجویان برحسب میزان گرایش به هویت ملی به تفکیک تعلق به گروه قومی نشان می‌دهد که دانشجویان کرد بالاترین گرایش را نسبت به هویت ملی دارند، در حالی که دانشجویان لر در کم‌ترین حد قرار گرفته‌اند. پس از کردها، ترک‌ها و ترکمن‌ها قرار می‌گیرند. فارس‌ها نیز در رتبه‌ی پنجم جای دارند. سیستانی‌ها از آن جا که قوم محسوب نمی‌شوند و صرفاً یک گروه زبانی و لهجه‌ای از زبان فارسی به‌شمار می‌آیند، نزدیک به فارس‌ها قرار دارند. در مجموع، این رتبه‌بندی کاملاً نسبی بوده و همان‌گونه که نتیجه‌ی آزمون نشان داده است، از لحاظ آماری تفاوت معنی‌داری میان گروه‌های قومی از نظر گرایش به هویت ملی وجود ندارد. رتبه‌بندی گرایش به هویت ملی برحسب رشته‌ی تحصیلی نشان می‌دهد که دانشجویان رشته‌های فنی و مهندسی و سپس علوم پایه بالاترین گرایش را به هویت ملی دارند، در حالی که دانشجویان رشته‌های علوم پزشکی و علوم کشاورزی در رتبه‌های آخر قرار گرفته‌اند. دانشجویان رشته‌های علوم انسانی و هنر نیز در میانه جای دارند.

مقایسه‌ی نتایج حاصل از تحقیق حاضر با نتایج تحقیق رضایی، ریاحی و همکاران در سال ۱۳۸۶، ربانی، یزدخواستی و همکاران در سال ۱۳۸۷، اریکسون در سال ۱۹۶۸، ناتر در سال ۱۹۹۷ و کلنر در سال ۱۹۹۶ سازگاری دارد.

منابع

۱. آقامحمدیان، حمیدرضا و شیخ روحانی، سعید (۱۳۸۲) «مفهوم و فرایند شکل‌گیری هویت، تأثیر عوامل اجتماعی و اصلاح و درمان مسائل هویت»، مجله‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، جلد ۴، شماره‌ی ۱.
۲. اتسلندر، پیتر (۱۳۷۱) روش‌های تجربی تحقیق اجتماعی، جلد ۱، ترجمه‌ی بیژن کاظم‌زاده، مشهد: آستان قدس رضوی.
۳. احمدلو، حبیب و افروغ، عماد (۱۳۸۱) «رابطه‌ی هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان تبریز»، فصلنامه‌ی مطالعات ملی، سال چهارم، شماره‌ی ۱۳.
۴. احمدی حبیب؛ هاشمی، سمیه و همکاران (۱۳۸۹) «بررسی رابطه‌ی وسایل ارتباطی نوین با هویت جنسیتی جوانان: مورد مطالعه شهر شیراز»، فصلنامه‌ی جامعه‌شناسی زنان، شماره‌ی ۴ (مسلسل ۴).
۵. الطائی، علی (۱۳۸۲) بحران هویت قومی در ایران، تهران: شادگان.
۶. ایمان، محمدتقی و روحانی، علی (۱۳۹۲) «هویت اسلامی و هویت‌های رقیب (هویت جهانی، ملی و قومی)، مطالعه‌ی موردی: دانشجویان دانشگاه شیراز»، فصلنامه‌ی علمی- پژوهشی تحقیقات فرهنگی، دوره‌ی ششم، شماره‌ی ۱.
۷. حاجیانی، ابراهیم (۱۳۷۹) «تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه»، فصلنامه-ی مطالعات ملی، سال دوم، شماره‌ی ۵.
۸. خوش‌فر، غلامرضا (۱۳۸۷) «تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر مشارکت سیاسی (مطالعه‌ی موردی استان گلستان)»، رساله‌ی دکتری رشته‌ی جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
۹. ربانی، یزدخواستی و همکاران (۱۳۸۸) «رابطه‌ی هویت ملی و قومی در بین دانشجویان آذری، کرد و عرب دانشگاه‌های دولتی ایران»، نشریه‌ی علمی- پژوهشی مطالعات ملی، شماره‌ی ۳۹.
۱۰. رضایی، احمد؛ ریاحی، محمداسماعیل و همکاران (۱۳۸۶) «بررسی گرایش به هویت ملی و قومی در ترکمن‌های ایران»، فصلنامه‌ی مطالعات ملی، سال هشتم، شماره‌ی ۴.
۱۱. ریتزر، جورج (۱۳۷۴) نظریه‌ی جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: علمی.
۱۲. ساروخانی، باقر (۱۳۷۳) روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، جلد ۱، تهران: علمی و فرهنگی.
۱۳. عباسی قادی، مجتبی و خلیلی، مرتضی (۱۳۹۰) تأثیر اینترنت بر هویت ملی، تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی.

۱۴. عبداللهی، محمد و حسین بر، محمدعثمان (۱۳۸۱) «گرایش دانشجویان بلوچ به هویت ملی در ایران»، مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران، سال چهارم.
۱۵. کاستلز، امانوئل (۱۳۸۰) عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، جلد ۳، ترجمه‌ی احد علیقلیان، افشین خاکباز و حسن چاوشیان، تهران: طرح نو.
۱۶. کاستلز، ایمانوئل (۱۳۸۲) عصر اطلاعات، جلد ۱، ترجمه‌ی احمد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو.
۱۷. کوزر، لوئیس (۱۳۷۵) زندگی و اندیشه‌ی بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: علمی.
۱۸. گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۲) درآمدی نظری بر جهانی شدن و هویت قومی، طرح پژوهشی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی.
۱۹. نش، کیت (۱۳۸۰) جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، جهانی شدن، سیاست، قدرت، ترجمه‌ی محمدتقی دلفروز، تهران: کویر.
۲۰. یازرلو، علیرضا (۱۳۸۹) بررسی میزان گرایش به هویت جمعی در بین دانشجویان دانشگاه‌های پیام نور استان گلستان، پروژه‌ی تحقیقاتی.

21. Jacobson, J. (1998), **Islam in Transition**, London: Routledge.
22. Jenkins, R. (1996) **Social Identity**, London: Routledge.
23. Jordon, J. (1994) **Technical Difficulties**, Boston: Beacon Press
24. Natter, W. and J. Jones III, (1997) Identity, Space and Other Uncertainties. In G. Benko and U. Strohmayer (eds) **Space and Social Theory**, Oxford: Blackwell.
25. **www. Takbook.Com**